

آیت الله حاج شیخ

محمد کاظم

شیرازی

ناصرالدین انصاری قمی
محقق حوزه علمیه قم

حوزه علمیه نجف اشرف، از گاه بنیاد به دست توانای شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن علی طوسی، در سال ۴۴۸ ه. ق. تاکنون، علمای بزرگی را به خود دیده است، که نام و یادشان در درازای تاریخ، ماندگار خواهد بود. آنان با تمام تعهد و احساس مسئولیت، به نشر دانش علوی و گسترش مکتب جعفری (ع) پرداختند و در طول هزار سال، چراغ فقاقت شیعی را فروزان نگاهداشتند. آنان با تألیف و تصنیف، و با درس و بحث، و پرورش شاگردان خود، علوم آل محمد (ص) را به نسلهای آینده انتقال دادند و درخت تناور دانش اهل بیت (ع) را پربارتر ساختند. یکی از آن دانشوران، که عمری را به تدریس، تألیف و تربیت علمای بزرگ شیعه گذرانید، مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد کاظم شیرازی - اعلی الله مقامه الشریف - است؛ که نام و یاد نیکش در کتب تذکره و تراجم مضبوط است و ما برای ادای حقی اندک از حقوق فراوانش، این مقاله را تقدیم ارباب معرفت می کنیم.



آیت الله شیخ محمد کاظم شیرازی

ه. ق، پس از پایان جنگ جهانی اول، همراه با استادش به کاظمین رفت. او در اوایل سال ۱۳۳۷ ه. ق همراه با استاد، به کربلا مهاجرت کرد و تا وفات میرزا محمد تقی شیرازی، در آن خاک پاک به تحصیل و تدریس اشتغال داشت [شاهرویی، اسرۃ المجدد الشیرازی، ۲۰۸].

استادان

از آنچه گفته شد، بر می آید که او غالب سطوح و خارج خویش را در محضر استادان ذیل به پایان برده است.

۱. میرزا محمد تقی حائری شیرازی (۱۲۵۶ - ۱۳۳۸ ه. ق)،

نویسنده حاشیة المکاسب

۲. سید محمد فشارکی اصفهانی (۱۲۵۳ - ۱۳۱۶ ه. ق)،

نویسنده الرسائل الفشارکیة

۳. شیخ حسنعلی تهرانی (د. ۱۳۲۵ ه. ق)، نویسنده تقریرات

بحث مجدد شیرازی (بیع و خیارات)

۴. سید محمد علی کازرونی شیرازی

خاطره ای از دوران تحصیل

آیت الله سید رضی شیرازی، نوه دختری معظم له، می گوید: «روزی جدم، حاج شیخ محمد کاظم شیرازی، خاطره ای از دوران سخت زندگی طلبگی خود برای من نقل کردند که: یکی از نوه های دختری میرزای شیرازی به نام آقا سید احمد سبط، به حجره من در سامرا آمد که نهار را پیش من بماند. برای ایشان دو عدد تخم مرغ نیمرو کردم. گفتیم: آقا سید احمد، قدر این غذا را

ولادت

آیت الله حاج شیخ کاظم شیرازی در سال ۱۲۹۰ ه. ق، در شیراز زاده شد [موسوی کاظمی، احسن الودیعة، ج ۲، ۱۳۱؛ انصاری قمی، دیوان اشعار، ۲۶۴]. برخی هم سال ولادتش را مردّد بین ۱۲۹۰ و ۱۲۹۲ ه. ق نگاشته اند [مشار، مؤلفین کتب چاپی، ج ۵، ۲۴]. پدرش، حاج حیدر، از تجار شیراز بود و به تقوا و پرهیزگاری شهرت داشت [رکن زاده، دانشمندان و سخنسرایان فارس، ج ۴، ۲۳۲].

تحصیلات

وی، دوران کودکی اش را در زادگاهش به فراگیری خواندن و نوشتن گذرانید. سپس در سال ۱۳۰۰ ه. ق، همراه با پدر و مادرش به قصد زیارت عتبات عالیات، رهسپار نجف و کربلا شد. وی در کربلا با والدینش اقامت گزید. و ادبیات عرب را بخوبی فرا گرفت. پس از دو سال، پدر و مادرش به شیراز بازگشتند. او به تنهایی به تحصیل ادامه داد تا پس از چهار سال، به شیراز مهاجرت کرد. وی مطول و معالم را نزد عالم کامل حاج سید محمد علی کازرونی - که در تدریس مطول بسیار ماهر بود - فرا گرفت.

حرکت به کربلا

ایشان در سال ۱۳۰۶ ه. ق - پس از دو سال اقامت در شیراز - رهسپار کربلا شد، و در مدت کوتاهی - حدود چهار سال - شرح لمعه، قوانین، فصول و ریاض را به پایان رسانید سپس وی تصمیم گرفت به سامرا - که تحت سرپرستی آیت الله العظمی میرزای شیرازی دارای حوزه علمیه شکوه مندی شده بود - برود [موسوی کاظمی، احسن الودیعة، ج ۲، ۱۳۱؛ واعظ خیابانی، علمای معاصرین، ۲۴۱].

مهاجرت به سامرا

ایشان، در حدود سال ۱۳۱۰ ه. ق به سامرا رفت [تهرانی، نباء البشر، (مخطوط) بدون صفحه] و مورد توجه فراوان میرزای شیرازی قرار گرفت. میرزا سفارش او را به حضرات آیات: سید محمد فشارکی و میرزا محمد تقی شیرازی نمود [شاهرویی، اسرۃ المجدد الشیرازی، ۲۰۸]. او در آن زمان، مورد نظر و محبت پدرا نه میرزای شیرازی بود، و در خانه او به سر می برد و همواره حاضر به خدمت بود. [رکن زاده آدمیت، دانشمندان فارس، ج ۴، ۲۳۲]. نخست، وی رسائل و مکاسب را نزد علامه بزرگوار شیخ حسنعلی تهرانی به پایان برد، و سپس در درسهای مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و سید محمد فشارکی شرکت نمود. به گفته رکن زاده، چندی هم در درس مجدد شیرازی حضور پیدا کرد. با مهاجرت مرحوم آیت الله طباطبایی فشارکی به نجف اشرف، منحصرأ به درس میرزا محمد تقی شیرازی حاضر شد و تا روز وفاتش، ملازم بحث او بود و در این مدت طولانی - حدود ۲۸ سال از ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۸ ه. ق - از او جدا نشد؛ به طوری که بر همه شاگردان استاد فایق آمد و از بزرگان شاگردان او به شمار رفت [موسوی کاظمی، احسن الودیعة، ج ۲، ۱۳۱، امینی، معجم رجال الفکر فی النجف، ج ۲، ۷۸۱؛ تهرانی، نباء البشر (مخطوط)، بدون صفحه]

مهاجرت به کربلا

حاج شیخ محمد کاظم شیرازی در اواخر محرم الحرام ۱۳۳۶

شاگردان

- برخی از تلامذ آف فقیه بزرگ، عبارتند از:
۱. شیخ بهاء الدین محلاتی شیرازی (۱۳۱۴ - ۱۴۰۱ ه. ق.)، نویسنده توضیح المسائل و راهنمای حق
 ۲. شهید سید عبدالحسین دستغیب شیرازی (۱۳۲۲ - ۱۴۰۲ ه. ق.)، نویسنده قلب سلیم و گناهان کبیره
 ۳. سید مرتضی فیروز آبادی (۱۳۲۹ - ۱۴۱۰ ه. ق.)، نویسنده عناية الاصول فی شرح کفایه الاصول
 ۴. سید سجاد علوی گرگانی (۱۳۲۲ - ۱۴۰۷ ه. ق.)
 ۵. شیخ حیدر علی محقق اصفهانی
 ۶. سید محمد علی سبط الشیخ انصاری (۱۳۳۰ - ؟)
 ۷. سید محمد حسین شیرازی (د. ۱۳۷۴ ه. ق.)، فرزند میرزا علی آقا شیرازی و داماد معظم له
 ۸. سید محمد حسن فضل الله عاملی (۱۳۱۰ - ۱۳۹۲ ه. ق.)، نویسنده الرد علی المادین
 ۹. شیخ محمد تقی بهجت، صاحب توضیح المسائل
 ۱۰. آقا سید علی بهشتی
 ۱۱. شیخ علی کاشف الغطاء
 ۱۲. شیخ صدرا باد کوبه ای
 ۱۳. شیخ علی خراسانی
 ۱۴. مروج
 ۱۵. شیخ محمد تقی هرندی
 ۱۶. محدث خراسانی
 ۱۷. سید صادق شریعتمداری
 ۱۸. شیخ محمد تقی جعفری
 ۱۹. دهقانی
 ۲۰. امام سیدهی اصفهانی
 ۲۱. شیخ احمد فیاض
 ۲۲. سید محمود علوی شیرازی
 ۲۳. شیخ محمد رضا بروجردی



آیت الله حاج سید ابوالحسن موسوی اصفهانی

بدان زیرا شش ماه است که از حجره من، دود غذا بر نخاسته است [من سید رضی شیرازی] به ایشان عرض کردم: پس چه می خوردید؟ فرمود: اکثر اوقات، تمر هندی را در آب خیس می کردم، و قدری هم شکر سرخ به آن می افزودیم، نان هم در آن ترید [خورد] می کردم و می خوردیم [شیرازی، مجله حوزه، شماره ۵۰، ۲۹].

حرکت به نجف

آیت الله شیخ محمد کاظم شیرازی پس از وفات استادش، میرزا محمد تقی شیرازی، در ۱۳۳۸ ه. ق، رهسپار نجف اشرف شد و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. او در این مدت و تا هنگام وفاتش، یکسره به تدریس و تألیف پرداخت. وی در حوزه نجف شهرتی فراوان کسب کرد، چشمها به او دوخته شد. و مورد توجه فراوان زعیم بزرگ شیعه آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت. حتی غالب استفتائات مرحوم آیت الله اصفهانی، به نظر آن مرحوم بود که به امضا و مهر سید می رسید [شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۱، ۲۷۱] علامه بزرگوار شیخ آقا بزرگ تهرانی در بخش مخطوط نقباء البشر، از او به عنوان «العالم الفقیه المحقق الجلیل الشیخ محمد کاظم الشیرازی دامت برکاته من اجله العلماء الاعلام» یاد کرده است.

تدریس

او در تدریس، بسیار خوش بیان و زیبا کلام بود. صاحب احسن الودیعة می نویسد: «حاج شیخ کاظم شیرازی، امروز از اکابر علماء مجتهدین و بزرگان فقهای متتبعین است. جمعی از اصحاب و گروهی از طلاب، به بحث او حاضر می شوند. جید التقرير، لطیف التحریر، حسن المعاشرة و طریف المحاوره می باشد» [موسوی کاظمی، احسن الودیعة، ج ۲، ۱۳۱؛ واعظ خیابانی، علمای معاصرین، ۲۴۱].

شیوه تدریس

آیت الله سید رضی شیرازی می فرماید: «از خصوصیات این بزرگوار، این بود که شاگرد را پرورش می داد. این شیوه را ایشان، از مکتب سامرا گرفته بود. نه تنها به شاگرد مجال اشکال کردن می داد، که اگر شاگرد نمی توانست اشکال خود را درست تقریر کند و یا اینکه اصلاً اشکال نابجا بود، آن مرحوم ابتدا اشکال را به صورت صحیح مطرح می کرد و می گفت: منظور شما حتماً همین است، آنگاه به پاسخ آن می پرداخت. یکی از توصیه های ایشان این بود که می فرمود هیچ گاه در مباحثات و موارد اظهار نظر، اول مازاد نباشید. مقصودش این بود که طبق مرسوم بازاریان، وقتی جنس را برای مزایده به بازار می آوردند، آن کس که اول قیمت بگذارد سخن او حرف آخر نیست. دیگران قیمت بالاتر پیشنهاد می کنند و در نتیجه، آنچه او گفته ارزش خود را از دست می دهد. در مباحثات هم وقتی مسئله ای مطرح می شود، شما اولین نفر نباشید که نظر خود را بیان می کند، بلکه همیشه صبر کنید تا دیگران مطالب خود را بگویند و شما حرف آخر را بزنید [شیرازی، مجله حوزه، شماره ۵۰، ۲۸].

رفتن فرزندان به مدارس جدید عراق، مستمسک عده ای قرار گرفت، و علیه وی به تبلیغ پرداختند. این امر، موجب انزوی ایشان شد. آیت الله سید رضی شیرازی می گوید: «محیط مدارس جدید عراق، از نظر علما پذیرفته نبود، به خاطر جنبه تجدد این مدارس به هر صورت، علما روی خوش به این مدارس نشان نمی دادند. پسران حاج شیخ، به این مدارس می رفتند و دیپلم گرفتند. یکی از اینها دکتر احمد کاظم - که الان در عراق است - قبل از شروع جنگ جهانی دوم برای دوره طب، به آلمان رفت. همین امر، باعث شد تا عده ای که با مرحوم شیخ مسائلی داشتند، علیه او تبلیغات کنند. برخی از افراد متدین - ولی ساده - تحت تأثیر این تبلیغات واقع شده بودند؛ مثل مرحوم شیخ محمد علی خراسانی، که مرد زاهد و با تقوایی بود. ولی به خاطر تحریکات دیگران، در مجالسی که شیخ حاضر بود، روی منبر او را مورد خطاب و عتاب قرار می داد و می گفت: بچه هایت را فرنگ می فرستی و از سهم امام به آنان می دهی؟ مرحوم پدرم فرمود: روزی به او گفتم: اینکه به شیخ اعتراض می کنی، بر اساس شنیده هاست یا آگاهی خودتان است؟ گفت: بر اساس شنیده هاست. به او گفتم: رفتن فرزند ایشان به فرنگ، هیچ ارتباطی به ایشان ندارد، و از سهم امام هم چیزی به او نداده است. پسر شیخ، چند سالی در کوفه، معلمی کرده و پولی فراهم آورده، و برای ادامه تحصیل پزشکی، به فرنگ رفته است. مرحوم پدرم فرمود: از آن به بعد، نه تنها شیخ محمد علی درباره شیخ چیزی نگفت، که آمد خدمت آقا و حلالیت طلبید. در هر صورت، به خاطر این تبلیغات، مرحوم شیخ محمد کاظم خانه نشین شد. [شیرازی، مجله حوزه، شماره ۵۰، ۳۰-۳۱].

تألیفات

از آن فقیه سترگ، آثاری بر جای ماند که جز شمار اندکی از آنها، بقیه به چاپ نرسیده و هم اینک در کتابخانه حافظیه شیراز - که فرزند بزرگش، آنها را همراه با کتابهای خودش وقف آنجا کرده است - موجود است. آنها عبارتند از:

۱. بلغة الطالب فی حاشیة المکاسب (۲ج): این کتاب از معروفترین و دقیقترین حواشی مکاسب است، که در حوزه های علمیه شهرتی بسزا دارد، که به همت نواده اش، آیت الله سید رضی شیرازی، در تهران چاپ شد، و سزاوار تجدید چاپ است.
۲. رساله فی الخلل (چاپ نجف)
۳. رساله فی صلاة الجماعة
۴. حاشیه بر فرائد الاصول شیخ انصاری
۵. حاشیه بر فوائد الاصول کاظمینی، تقریرات درس محقق نائینی
۶. حاشیه بر درر الاصول حاج شیخ عبدالکریم حایری
۷. حاشیه بر فصول شیخ محمد حسین اصفهانی (د. ۱۲۶۱ ه. ق)
۸. حاشیه استدلالی بر عروة الوثقی
۹. دوره کامل اصول
۱۰. کتابهای متعدد فقهی (در ابواب مختلف و در چند جلد)
۱۱. مسائل فقهیه

۲۴. سید هادی تبریزی
۲۵. شیخ علی کفرانی (قدیری)
۲۶. سید جعفر مرعشی (۱۳۲۶ - ۱۴۰۷ ه. ق)، نویسنده الرسالة الجعفریة فی العقائد الاثنی عشریة
۲۷. سید اسماعیل صدر (۱۳۴۰ - ۱۳۸۸ ه. ق)، نویسنده الاخلاق و دورها فی الحیة
۲۸. سید محمود علوی تبریزی (۱۳۱۵ - ۱۳۸۱ ه. ق)، صاحب الحجاب و الاسلام
۲۹. شیخ موسی عزالدین (۱۳۱۰ - ۱۴۰۰ ه. ق)، نویسنده الاسلام و فضایا الساعة
۳۰. شیخ مجید خمیس (۱۳۰۴ - ۱۳۸۴ ه. ق)، صاحب غایة المأمول
۳۱. حاج میرزا آقای شیرازی
۳۲. سید محمد روحانی قمی (۱۳۳۸ - ۱۴۱۸ ه. ق)، نویسنده منتقی الاصول و المرتقی الی الفقه الارقی
۳۳. سید محمد حسینی همدانی (۱۳۲۲ - ۱۴۱۵ ه. ق) نویسنده انوار درخشان در تفسیر قرآن و شرح اصول کافی
۳۴. حاج شیخ احمد فیاض سدهی اصفهانی
۳۵. سید مهدی حسینی اشکوری (و. ۱۳۴۰ ه. ق)، صاحب توضیح المسائل و انوار عرشیه
۳۶. شیخ حسین وحید خراسانی (و. ۱۳۴۰ ه. ق)، صاحب توضیح المسائل و مناسک حج
۳۷. سید تقی طباطبائی قمی (و. ۱۳۴۱ ه. ق)، صاحب مبانی منهاج الصالحین و مجالس شبهای شنبه
۳۸. حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (و. ۱۳۳۸ ه. ق)، نویسنده منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر و نوید امن و امان
- معظم له از محدث بزرگ شیعه میرزا حسین نوری، صاحب مستدرک الوسائل، اجازه حدیث داشت، و خود از اقطاب روایت و مشایخ اجازه بود. و بسیاری از فقها و دانشمندان از او اجازه روایت اخذ کردند، که از آن جمله است:
۱. آیت الله سید شهاب الدین نجفی مرعشی
۲. حاجیه خانم نصرت بیگم امین اصفهانی
۳. شیخ عبداللطیف سمّامی حایری تنکابنی
۴. شیخ صدر الدین محلاتی شیرازی
۵. حاج سید محمد حسینی همدانی، معروف به آقا نجفی

مرجعیت

آن فقیه بزرگ، از یاران و اعوان زعیم علی الاطلاق شیعه، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بود، و در زمان مرجعیت آن مرجع بزرگ، از علمای مطرح حوزه نجف به شمار می رفت و غالب استفتائات مرحوم سید را معظم له پاسخ می داد. [شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۱، ۲۷۲]. پس از وفات مرحوم سید و مرحوم آیت الله حاج آقا حسین قمی، مرجعیت ایشان اوج گرفت و بسیاری از مؤمنان استان فارس بویژه شهر شیراز، به او رجوع کردند [آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر (مخطوط)، بدون شماره صفحه]. مجلس درس او شلوغ شد، و اغلب شاگردان مرحوم سید، به درس وی حاضر شدند [شاهرودی، اسرة المجدد الشیرازی، ۲۰۸]. اما موضوع



آیت الله سید صدر الدین صدر

ویژگیهای اخلاقی ۱. احترام به استاد

آن مرحوم، به استادش آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی، احترام فراوان می کرد، و تا روزی که استادش زنده بود، به درس وی حاضر می شد و بهره می برد این کار، شیوه پسنیدیده عموم علمای بزرگ شیعه بوده است؛ چنانکه شیخ طوسی تا زمانی که سید مرتضی زنده بود، به درسش حاضر می شد، و این، زمانی بود که شیخ طوسی با سید مرتضی، هر دو در درس شیخ مفید، همدرس و شاگرد یک استاد بودند. اما شیخ طوسی تا ۵۲ سالگی، در درس سید مرتضی حاضر شد [امام خمینی، کشف اسرار]. آیت الله سید رضی شیرازی می گوید: «نکته دیگر که خیلی آموزنده است و نشاندهنده روحیه تواضع این مرد بزرگ در برابر استاد، اینکه: ایشان، حدود ۳۰ سال درس میرزا محمد تقی شیرازی می رفته و ملازم ایشان بوده اند، و از سامرا ملازم آن مرحوم بوده اند، می فرمود: هر وقت به خانه میرزا می رفتم، در خانه اش را می بوسیدم. وقتی که بیرون می آمدم، باز می بوسیدم. تا اینکه میرزا محمد تقی، زعامت عامه یافت. از آن پس ترک کردم، زیرا خوف این را داشتم که حمل بر جهات دیگر بکنند؛ نه جنبه احترام به استاد» [شیرازی، مجله حوزه، شماره ۵۰، ۲۹].

۲. انصاف در بحث

آیت الله سید رضی شیرازی می گوید: «ایشان، فرد بحثی بود و مسلط در مباحث. در عین حال، خیلی منصف بود و نه تنها به شاگرد مجال اشکال کردن می داد، که اشکالات ایشان را هم می پروراند و اشکال نابجای ایشان را هم به صورت صحیح مطرح می کرد، و آن وقت به پاسخ آن می پرداخت» [شیرازی، مجله حوزه، شماره ۵۰، ۲۸].

رکن زاده می نویسد: «وی بسیار متواضع و خوش خلق بود، و متدینین را اعم از وضیع و شریف، گرامی می داشت. و در تربیت و تعلیم شاگردان خود زیاد دقت می کرد. و در بحث و مناظره از خود نمایی و اظهار علم دوری می جست. و منظورش از بحث و فحص، همانا تفهیم و تفهم و یافتن راه حقیقت بود. رکن زاده آدمیت، دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج ۴، ۲۳۲].

سفر به قم

آیت الله حاج شیخ کاظم شیرازی در سال ۱۳۶۶ ه. ق، به قصد زیارت مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا (ع) و دیدار با علمای حوزه علمیه قم، به ایران حرکت کرد. نخست، ایشان به قم آمد، و میهمان آیت الله حاج میرزا محمد فیض - که از سامرا و درس میرزا محمد تقی شیرازی با هم دوستی، صفا و صمیمیتی فراوان داشتند - شد. در روز ورودشان، همه علمای مانند آیات عظام: بروجردی، حجت، صدر و سید محمد تقی خوانساری، و دیگران از علما، فضلا و عموم محصلان، از ایشان تجلیل کردند [شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۱، ۲۷۱]. آیت الله بروجردی، دو بار به دیدن ایشان تشریف آوردند و هر دو

بار هم، به بحث علمی و فقهی پرداختند. ایشان پس از آگاهی از توان والای علمی آیت الله شیرازی، تقاضای ماندن در حوزه علمیه قم را از ایشان نمود، که معظم له نجف را ترجیح داد. آیت الله سید رضی شیرازی می گوید: «ایشان، در سفری که به ایران داشتند، به قم مشرف شدند. من هم در خدمتشان بودم بزرگان قم و حوزه، از ایشان تجلیل فراوانی کردند. دو جلسه بحث ایشان را با آیت الله بروجردی، شاهد بودیم. بحث، طولانی و عمیق بود. بحث اول، در مسئله ای از مسائل وقف و بحث دوم در تنجیس متنجس بود. هر دو بار، طرح مسئله از ناحیه آیت الله بروجردی - قدس سره - بود» [شیرازی، مجله حوزه، شماره ۵۰، ۲۸].

استاد آیت الله مکارم شیرازی درباره ایشان می گوید: «در وقت ورود ایشان، با گروهی از طلاب و فضلا، به دیدار ایشان رفتیم و سر بحث را با معظم له در باب استصحاب تعلیقی باز کردیم. ایشان نظریه خود را توضیح و به پرسشها و اشکالات حاضران هم با کمال متانت و بزرگواری پاسخ داد. و زمانی که برخی از حضار از قبول آن سر باز زدند و اشکال کردند، ایشان با کمال ادب فرمود: من آنچه در توان داشتم، از نظریه خود دفاع کردم و مطلب دیگری به نظر نمی رسد. کنایه از آنکه انتقادات شما وارد نیست، و مؤدبانه بحث را به اتمام رسانیدند».

آیت الله حاج شیخ کاظم شیرازی در قم چند روزی توقف نمود، و پس از آن، به تهران رفت و در منزل آیت الله حاج سید علی رضوی قمی وارد شد. در تهران، از سوی علما، دولت و ملت، تجلیل و تکریم شد. پس از چند روزی، وی به مشهد مقدس حرکت کرد و در آنجا هم معززا وارد شد و پس از مدتی، به نجف بازگشت. معظم له از کسانی بود که شایسته مقام ریاست علمی الاطلاقی و زعامت کل شیعه بود ولی اجل مهلتش نداد [شریف رازی، آثار الحجة، ج ۲، ۲۴].

آیت الله سید مرتضی نجومی، از علمای کرمانشاه می گوید: «معظم له به هنگام رفتن به نجف، در کرمانشاه بر مرحوم آیت الله شیخ هادی جلیلی - قدس سره - وارد شد و ایشان به ما طلاب مدرسه حاج شهبازخان فرمود که همگی به استقبال ایشان برویم. ما با چند ماشین، به استقبال آقای حاج شیخ رفتیم. ایشان هم چند روز در کرمانشاه ماند، و همه علما و روحانیان در منزل آیت الله جلیلی، از ایشان دیدن می کردند و پس از آن به نجف بازگشت».



آیت الله شیخ بهاء‌الدین مولاتی

مراسم تجلیل از مقام علمی اش بر پا شد، و ادبا و شعرا در سوگش قصایدی سرودند؛ که از آن جمله، قصیدهٔ ادیب نامی قم، مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ محمد علی انصاری است [انصاری، دیوان اشعار، ۲۶۴-۲۶۵] مراد از مصراع: «هنوز مرگ دو عالم نرفته از خاطر»، که در شعر آمده است، درگذشت آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی (د. ۱۳۶۵ ه. ق) و حاج آقا حسین طباطبائی قمی (د. ۱۳۶۶ ه. ق) است. این قصیده، در ۳۰ بیت است:

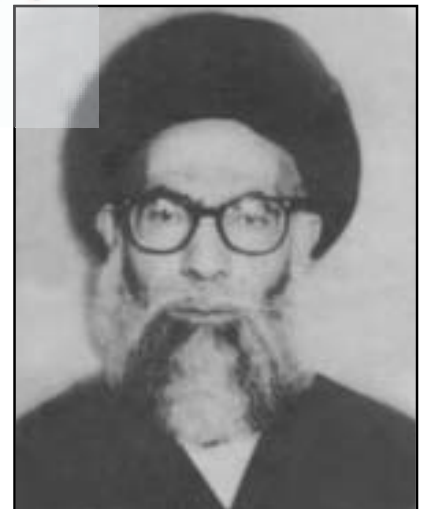
دریغ و درد که از جور چرخ سفله نواز
دوباره شد دل خلقتی به رنج و غم دمساز
دوباره دانش و حکمت شدند هر دو یتیم
دوباره علم و عمل شد به بیکیسی انباز
نهنگ بحر بلا باز کرد دهان
پلنگ دشت اجل بازگشت صید انداز
خدنک حادثه زد چاک قلب سیمرغی
که علم در کف او صعوه بود و او شهباز
نوای غصه زملک عراق مطرب غم
فکند در دل ایران و مصر و هند و حجاز
هنوز مرگ دو عالم نرفته از خاطر
که بوم شوم به مرگ سوم کشید آواز
بناله گفت که از باغ شرع سرو سبی
به سر در آمد و شد در نشیب گه ز فراز
خمیده قامت مردان دین از آن سبب است
که شد به خاک نهان آیهٔ الله شییراز
سمی موسی کاظم محمد کاظم
که چشم جعفر صادق بدوست روشن و باز
پناه دانش و پشت خرد نتیجهٔ علم
امیر کشور دین پادشاه ملک نماز
مهبین فقیه توانا که مرغ جان از شوق
همی به ذوق بیانات او کند پرواز
محدثی که گرفتگی برای نقل حدیث
محدثین همه از آن جناب خط جواز

یادگار ارزندهٔ وی در این زمان، استاد بزرگوار آیت الله سید رضی شیرازی، از علمای محترم تهران و نوهٔ پسری آیت الله میرزا علی آقا شیرازی فرزند میرزای مجدد شیرازی و نوهٔ دختری حاج شیخ محمد کاظم شیرازی، است. او متولد ۲۵ رمضان ۱۳۴۵ ه. ق و از شاگردان آیات عظام: پدرش و جدش (در نجف)، شیخ محمد تقی آملی، شیخ ابوالحسن شعرانی، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و میرزا احمد آشتیانی (در تهران) است. وی مدرس معروف علوم فلسفی و کلامی (شرح اشارات، اسفار، شرح منظومه)، استاد فقه و اصول، امام جماعت مسجد شفای تهران، و مؤلف کتب گوناگون: اصولی، کلامی و فلسفی است [شاهرودی، اسرهٔ المجدد شیرازی، ۹۰-۹۶؛ مجلهٔ حوزه، شمارهٔ ۵۰، ۱۷-۶۲؛ شریف رازی، گنجینهٔ دانشمندان، ج ۴، ۴۹۹].

پدر بزرگوارش، داماد حاج شیخ کاظم شیرازی، آیت الله سید محمد حسن شیرازی فرزند آیت الله میرزا علی آقا شیرازی، فرزند آیت الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو بود. وی، از شاگردان آیات عظام: میرزای نائینی، آقا ضیاء عراقی و شیخ کاظم شیرازی بود، و در مدرسهٔ قوام نجف تدریس می کرد. سپس، وی به تهران آمد و پس از زمانی چند، در ۱۳۷۴ ه. ق درگذشت، و در نجف اشرف مدفون شد. [شاهرودی، اسرهٔ المجدد شیرازی، ۸۴-۸۹].

درگذشت

آیت الله حاج شیخ محمد کاظم شیرازی پس از عمری آکنده از خدمات علمی و دینی، و تربیت علمای بزرگ شیعه، در شب شنبه ۲۲ جمادی الاول ۱۳۶۷ ه. ق، در ۷۷ سالگی چشم از جهان فرو بست. صبح روز بعد، بدنش در خارج شهر نجف غسل داده شد. پیکر پاکش با تشییع عظیم و با شکوهی به صحن شریف منتقل گردید و پس از نماز آیت الله سید جعفر بحر العلوم، در مقبرهٔ کازرونی - کنار مقبرهٔ شیخ الشریعهٔ اصفهانی و حاج آقا حسین قمی - به خاک سپرده شد [تهرانی، نقباء البشر [مخطوط]، بدون صفحه].
با اعلام خبر فوتش، در حوزه های علمی ایران و عراق،



آیت الله شهید سید عبدالحسین دستغیب شیرازی



نکات مشکله و بسته باز می گردید
 چو او ز روی تبسم نمود لب را باز
 ز دین گرفت اگر آبروی، لیکن داد
 بدین و شرع و به علم آبروی و رونق باز
 فکند پرده ز رخسار شاهد دانش
 جمال دلکش او را به ما نمود به ناز
 به اهل علم نجف بود او چنان سرهنگ
 به سینه دست به نزدش کسان چنان سرباز
 ز زهد و تقوی از من دگر مپرس سخن
 که رشته سخن اینجا بسی کشد به دراز
 زخوی و خلش ایجاز به زاطاب است
 اگرچه اینجا اطاب بهتر از ایجاز
 کسی چگونه تواند نمود وصف بهشت
 ز روح محض نشاید شکست گوهر راز
 دو صد فرشته بُد او در لباس فرد بشر

اجازه اجتهاد آیت الله سید محمد حسینی همدانی از آیت الله حاج شیخ محمد کاظم شیرازی که به گواهی و توشیح مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری هم رسیده است.

بر آوریم که ای کردگار بنده نواز
 به حوزه نجف و قم به حق احمد و آل
 بکن تو یاری و غمشان بدل به عیش بساز
 بلند سایه آیات شرع و دین و حجج
 مدام دار چو خورشید شان به عمر دراز
 برای مصدر تاریخ کلک انصاری
 سرود (شد به جنان آیت الله شیراز)
 ۱۳۶۷ هجری

دو صد حقیقت بود او عیان به شکل مجاز
 به علم حکمت پیرو به رأی و فکر جوان
 به عصر خویش ز اقران خویشان ممتاز
 بزرگ عالمی اینسان از این کرپوه تنگ
 مکان به کنکر قصر جنان کشید چو بساز
 به نزد احمد و حیدر شد او به روی سپید
 به بزم قرب خدا تکیه زد به عزت و ناز
 دوباره گشت امام زمان غریب و وحید
 زناله نال شدش جسم و همچو تار طراز
 قلوب زمره اسلامیان ز داغش سوخت
 چو شمع مجمع روحانیان به سوز و گداز
 اگر چه عاقبت کار او است بس محمود
 پریش خاطر ما کرد همچو زلف ایباز
 سزد برای دعا دست خویش سوی خدا

منابع:

۱. آمینی، محمدا هادی، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف خلال الف عام، بیروت
۲. انصاری قمی، محمد علی، دیوان اشعار، ج ۲، قم، ۱۳۶۰
۳. تهرانی، شیخ محمد محسن (آقا بزرگ)، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، بخش مخطوط
۴. رکن زاده آدمیت، محمد حسین، دانشمندان و سخن سرایان فارس، تهران، انتشارات اسلامیة
۵. شاهرودی، نورالدین، اسرة المجدد الشیرازی، ج ۲، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۱۲ ه. ق
۶. شریف رازی، محمد، آثار الحجة یا تاریخ حوزه علمیه قم، قم، کتابفروشی برقی، ۱۳۳۳
۷. همو، گنجینه دانشمندان، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲
۸. شیرازی، سیدرضی، «مصاحبه با مجله حوزه»، مجله حوزه، قم، شماره ۵۰-۵۱، مرداد ۱۳۷۱
۹. مُشار، خان بابا، مؤلفین کتب چاپی، تهران
۱۰. موسوی کاظمی، سید محمد مهدی، احسن الودیعة فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعة، بغداد
۱۱. واعظ خیابانی، ملا علی، علمای معاصرین، تبریز



آیت الله محمد تقی بهجت فومنی